

# ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۵۳  
۲۴ مرداد ۱۴۰۰ / ۱۵ اوت ۲۰۲۱

## حقوق ما

### حق دسترسی به وکیل و دادرسی عادلانه



## در این شماره می‌خوانید:

«آدم زنده نیازی به وکیل ندارد، خودت حرفت را بزن»

دشواری‌های وکالت در ایران، فشار بر وکلای پرونده‌های سیاسی

عدم پذیرش وکیل از طرف قاضی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود

نهادهای فراقانونی، موانع اصلی سد راه وکالت

وکلاهای دادگستری باید همانند قضات دارای مصونیت قضایی باشند

شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، علی اصغر فریدی (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

برای دفاع از موکل خود برخوردارند؟ و چه محدودیت‌هایی دارند؟

محدودیت‌ها فراوان است، از جمله طبق قانون دخالت وکیل در تمامی مراحل بازداشت و محاکمه و اجرای حکم، ضروری و آزاد است، اما بعد این آزادی را در مرحله بازجویی سلب کردند، و به موجب قانون در پرونده‌های متهمان عقیدتی، سیاسی که قوه قضائیه آنها را متهمان امنیتی می‌نامد، فقط وکیلی حق ورود به پرونده و خواندن پرونده و ملاقات با موکل را دارد که مورد تأیید قوه قضائیه باشد که در هر استانی فقط تعداد انگشت‌شماری وکیل، صاحب صلاحیت شناخته شدند که تماما افرادی هستند که وابستگی آنها به دستگاه‌های امنیتی و قدرت سیاسی در ایران زبانزد بوده.

در چنین موضوعی وقتی کسی علیه دستگاه حاکمه در ایران مقاله‌ای نوشته و تحت محاکمه است، مهمترین مرحله بازجویی و تهیه پرونده است، این در حالی است که در این مرحله متهم مطلقاً نمی‌تواند وکیل منتخب خودش را داشته باشد، بلکه بایستی وکیلی را انتخاب بکند که مورد تأیید دستگاه قضایی یعنی همان نیروی که او را دستگیر کرده، باشد. مسئله دیگر این است که وکلا در برخی از محاکم اصولاً حق دخالت ندارند، به عنوان مثال در دادگاه ویژه روحانیت، فقط وکلایی حق دخالت دارند که هم روحانی باشند، هم مورد تأیید قوه قضائیه. بنابراین طبیعی است که متهم دست و پا بسته در اختیار دادگاه ویژه روحانیت است و در هیچ یک از مراحل وکیل منتخب خودش، نمی‌تواند شرکت کند.

فراتر از آن موارد خلاف قانونی است که پیش می‌آید، وقتی که علیرغم همه محدودیت‌ها، یک عده‌ای وکیل در اجرای سوگندی که یاد کرده‌اند جان برکف به دفاع از حق و موکل خودشان می‌روند، با مشکلات عدیده‌ای از جمله زندان، مواجه می‌شوند.

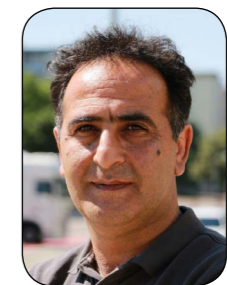
این امر نامیمون از ابتدای انقلاب اتفاق افتاده. وقتی که انقلاب شد، قانون وکلا را بستند، بعد عده‌ای را به عنوان وکیل طاغوتی، از جمله رئیس وقت قانون وکلا و چند نفر از اعضای هیات مدیره را به زندان فرستادند. و پروانه وکالت هفتاد وکیل را هم



انقلاب و وابسته به رژیم پهلوی محاکمه می‌کردند، هیچ وکیلی را به دادگاه راه نمی‌دادند و آقایانی که آن زمان متصدی شغل قضاوت بودند جمله‌ای داشتند که دائماً هم تکرار می‌کردند که، "آدم زنده احتیاج به وکیل ندارد" خودت حرفت را بزن. طبیعی است که در چنین محاکماتی شاهد آن اعدام‌های هولناک باشیم.

بر اساس قوانین ایران وکلا در حین بررسی پرونده، فرایند دادرسی و پس از صدور حکم موکل خود چه حق و حقوقی

## اصول، اهداف و محدودیت‌های دادخواهی



علی اصغر فریدی

محاکماتی شاهد آن اعدام‌های هولناک باشیم.

متن کامل مصاحبه مجله حقوق ما با خانم شیرین عبادی در مورد حقوق وکلا در قوانین ایران و موانع موجود بر سر راه کار وکالت در ایران، را در زیر بخوانید.

**خانم عبادی، ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شکای یا متهم چیست و چرا ما اصولاً برای دعاوی خود در دادگاه‌ها به وکیل نیاز داریم؟**

دادرسی عادلانه یکی از اصولی است که بسیار مورد تأکید حقوق بشر است و در قوانین داخلی نیز بر آن تأکید شده. وقتی صحبت از دادرسی عادلانه می‌کنیم، مسئله وکیل و استقلال وکلا بسیار حائز اهمیت خواهد شد.

بدون دخالت وکیل در کلیه مراحل دادرسی، دادرسی عادلانه امکان ندارد، که متأسفانه در ایران، عوامل متعددی باعث شده که این مسئله، یعنی حق دفاع از متهم صدمه ببیند. در این رابطه هم مشکل قانون هست و هم مشکل ساختاری، و هم اینکه وکلای مستقل مشکلاتی برایشان ایجاد شده، که البته این امر تازه‌ای نیست، از ابتدای انقلاب به همین صورت بود.

من به خاطر می‌آید که حتی در سال‌های اول انقلاب در یکی دو سال اول انقلاب وقتی که متهمین را تحت عنوان ضد

شاید شنیده باشید که در جمعی، شخصی می‌خواست از شخص دیگری حمایت و دفاع کند، طرف مقابل می‌گفت "مگر شما وکیل هستی" و یا شاید شنیده‌اید که وقتی شخصی می‌خواست از طرف شخصی دیگر جواب کسی را بدهد، می‌گفتند "آدم زنده نیاز به وکیل ندارد".

این گونه اتفاقات و موضع‌گیری‌ها، در جامعه گاه رخ می‌دهد و البته چندان جای نگرانی نیست. وضعیت زمانی هولناک خواهد بود که دادگاه‌های که بدون کمترین مدرک، متهم را به اعدام محکوم می‌کردند و در پاسخ به درخواست متهم که خواهان دسترسی به وکیل مدافع بود، می‌گفتند "آدم زنده احتیاجی به وکیل ندارد، خودت حرفت را بزن"؛ اتفاقی که در دادگاه‌های اوایل سال ۵۷ روی داد.

شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، در مصاحبه با مجله حقوق ما می‌گوید: در یکی دو سال اول انقلاب وقتی که متهمین را تحت عنوان ضد انقلاب و وابسته به رژیم پهلوی محاکمه می‌کردند، هیچ وکیلی را به دادگاه راه نمی‌دادند و آقایانی که آن زمان متصدی شغل قضاوت بودند، جمله‌ای داشتند که دائماً هم تکرار می‌کردند که، "آدم زنده احتیاج به وکیل ندارد، خودت حرفت را بزن". طبیعی است که در چنین

از آنها گرفتند. این روش ادامه پیدا کرد، تعدادی از وکلا را در طی سالیان سال زندانی کردند. از جمله یادآور می‌شوم، آقای زرافشان را که بعد از محاکمه قتل‌های زنجیره‌ای به بهانه اینکه تو چرا مصاحبه کردی به پنج سال حبس محکوم کردند. و یا خود من که در پرونده دانشجویان ۱۸ تیر و در دفاع از فردی که کشته شده بود به زندان رفتم، و بسیاری دیگر.

طبق آمارهای که من تهیه و برای مراجع ذیصلاح بین‌المللی در امر وکالت ارسال کردیم، از سال ۱۳۸۸ به این طرف که من شروع به شمارش این وکلا کردم، بیش از ۶۰ وکیل به خاطر اشتغال به حرفه وکالت زندان رفته‌اند، بعضی‌ها هنوز در زندان هستند، چند نفر دیگر و تعدادی با وثیقه آزاد هستند که قرار است در آینده به زندان بروند، تعدادی مجبور شدند ایران را ترک کنند و عده‌ای هم حبس‌های طویل‌المدت را سپری کردند و بیرون آمدند. تمام این کارها برای این است که زهرچشمی از وکلا بگیرند، که وکلا جرات نکنند از موکلینی که علیه حکومت مقاله‌ای نوشته‌اند و یا حرفی زده‌اند و مخالفتی کرده‌اند، دفاع بکنند.

**آیا می‌توان گفت در دادگاه‌های ایران در حال حاضر، همچنان به نوع این سیاست آدم زنده نیازی به وکیل ندارد، اعمال می‌شود؟ یا اینکه این سیاست مختص همان اول انقلاب بود اکنون تغییراتی به وجود آمده؟**

اوایل انقلاب آقایانی که انقلاب واقعی را از مردم ربودند، زیاد از مسائل بین‌المللی اطلاع نداشتند و یا به آن بی‌توجه بودند، بعداً به خاطر ملامت‌های شدیدی که در زمینه نقض حقوق بشر متوجه ایران شد، از جمله اینکه در اکثر سال‌ها ما گزارشگر ویژه حقوق بشر داشتیم، مثل اینکه در حال حاضر هم داریم، حداقل برای ظاهرسازی سعی کردند که ظاهر داستان را درست کنند.

اوایل انقلاب صراحتاً می‌گفتند آدم زنده احتیاج به وکیل ندارد، اما الان می‌دانند این کار عواقب بین‌المللی برایشان خواهد داشت، و آنها را در معرض اتهامات بیشتری قرار می‌دهد، بنابراین آمدند کار را قانونی کردند، گفتند که خیلی خوب شما می‌توانید وکیل داشته باشید اما در مهمترین مرحله که تشکیل پرونده است، فقط وکیلی که مورد اعتماد ما هست، می‌توانید داشته باشید. بنابراین عملاً همان روش است اما رنگ و بوی قانون هم به آن داده‌اند که مورد سرزنش قرار نگیرند ولیکن اگر تصور کردند که دنیا و مردم را می‌توانند فریب بدهند این اشتباه صد در صد است.

**خانم عبادی در طی روند دادرسی یا حین برگزاری دادگاه، در چه صورتی قاضی حق صدور حکم بازداشت یک وکیل را دارد؟ آیا بنابه قانون قاضی حق بازداشت و کلا را دارد؟**

## دشواری‌های وکالت در ایران، فشار بر وکلای

### پرونده‌های سیاسی

در برابر اتهام دفاع کند و اگر بی‌گناه است تبرئه شود، یا اگر هم اتهامی متوجه او است، از یک دادرسی منصفانه در راستای اجرای عدالت برخوردار باشد.

**بر اساس قوانین ایران وکلا در حین بررسی پرونده، فرایند دادرسی و پس از صدور حکم موکل خود چه حق و حقوقی برای دفاع از موکل خود برخوردارند؟**

هر شخصی حق دادخواهی اعم از حق طرح دعوا یا حق دفاع برخوردار است که این حق به موجب قانون اختیاراتی مانند: مراجعه به دادگاه برای طرح دعوا یا شکایت، مطالعه پرونده، دسترسی به اوراق قضایی، آگاهی از دلایل اتهام یا ادعا، حق اعتراض به رای و تجدیدنظرخواهی و غیره را برای هر شهروند ایجاد می‌کند. وکیل به تبع موکل خود از این حقوق برخوردار است و در واقع، وکیل به نمایندگی از سوی موکل خود و با توجه به دانش حقوقی و تجربه حرفه‌ای که دارد از موکل خود بطور حرفه‌ای حمایت و حقوق وی را استیفاء می‌کند.

**از لحاظ قانونی چه موانعی بر سر راه فعالیت وکلا در ایران وجود دارد؟**

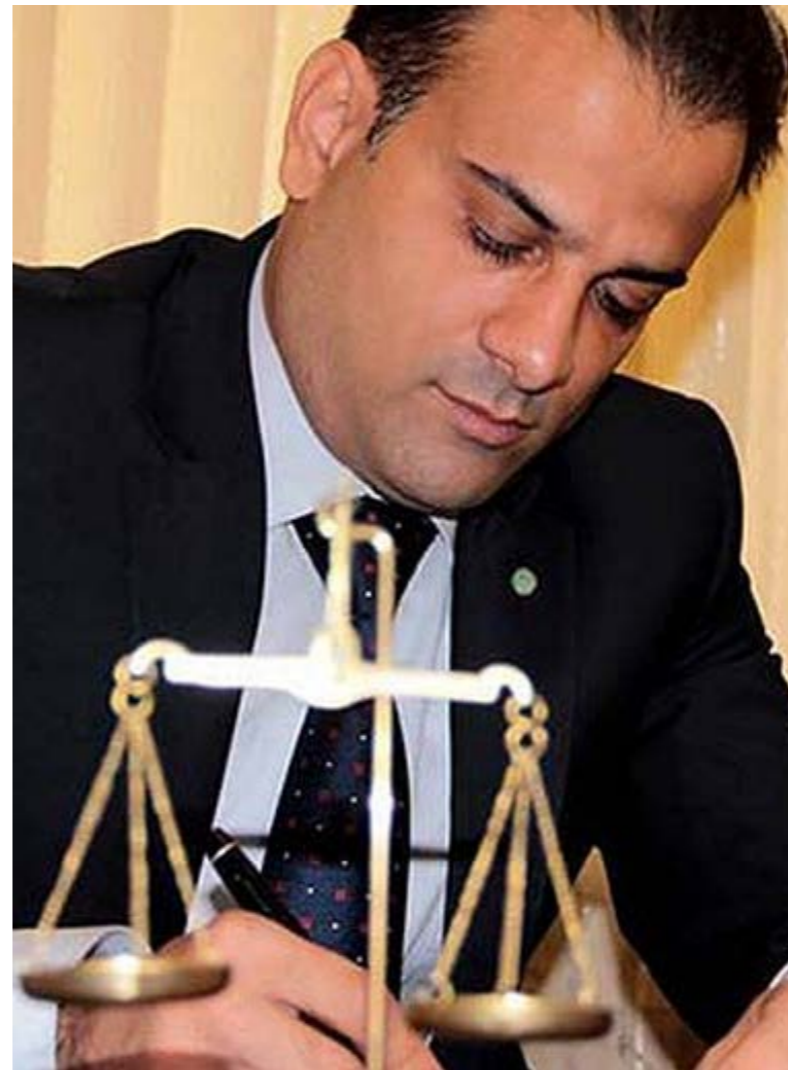
تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

مهمترین مشکل پیشروی وکلای دادگستری در ایران، نبود مصونیت حرفه‌ای آنها است. در واقع، وکلایی که در پرونده‌های سیاسی عقیدتی وکالت می‌کنند، بطور دائم در معرض تهدید و بازداشت خودسرانه از سوی نیروهای امنیتی حکومت تمامیت خواه جمهوری اسلامی هستند. چنانکه امروز بسیار از وکلاء در بند هستند، برخی مجبور به ترک وطن شده‌اند و بعضی از کار محروم و خانه نشین شده‌اند. این بخشی از سخنان محمد مقیمی حقوقدان و وکیل دادگستری است که با مجله حقوق ما در مورد مشکلات حرفه‌ای وکلا در ایران صحبت کرده است که شرح کامل این مصاحبه را می‌توانید در زیر مطالعه کنید.

**ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شاکی یا متهم چیست و چرا ما اصولاً برای دعاوی خود در دادگاه‌ها به وکیل نیاز داریم؟**

حق دفاع یکی از اصول دادرسی عادلانه در فرایند محاکمه است و به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. در واقع، هر شخصی برای دادخواهی حق برخورداری از خدمات وکیل را دارد، ولی این حق در دعاوی کیفری و برای فردی که در مظان اتهام قرار می‌گیرد و امکان مجازات وی وجود دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. چه اینکه متهم حق دارد از خود





که در واپسین روزهای پیش از اجرایی شدن آن در سال ۱۳۹۴ مورد بازنگری قرار گرفت، دادرسی عادلانه در برخی جرایم از جمله در پرونده‌های سیاسی\_ عقیدتی را خدشه دار کرده است و در عمل متهمان این پرونده‌ها بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی که مهمترین مرحله در دعوی کیفری است، از حق برخورداری از وکیل انتخابی محروم هستند و وکلایی که مورد تایید قوه قضاییه هستند، به آنان تحمیل می‌شوند.

**جدا از آنچه که قانون مشخص کرده، وکلا و کار وکالت در ایران با چه محدودیت‌هایی روبرو هستند؟**

مهمترین مشکل پیشروی وکلای دادگستری در ایران، نبود مصونیت حرفه‌ای وکلای دادگستری است. در واقع، وکلایی که در پرونده‌های سیاسی\_ عقیدتی وکالت می‌کنند، بطور دائم در معرض تهدید و بازداشت خودسرانه از سوی نیروهای امنیتی حکومت تمامیت خواه جمهوری اسلامی هستند. چنانکه امروز بسیار از وکلاء در بند هستند، برخی مجبور به ترک وطن شده‌اند و بعضی از کار محروم و خانه‌نشین شده‌اند.

**وکیل در حین دفاع از موکل یا نوشتن دفاعیه، با چه محدودیت و خط قرمزهایی روبرو است؟**

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، قانون خوبی است و با توجه به آخرین استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه به تصویب رسیده است. ولی در پرونده‌های سیاسی\_ عقیدتی دادگاه‌های انقلاب، حضور وکلای مستقل را برنمی‌تابند و صرف‌نظر از اینکه به وکیل فرصت دفاع کامل داده نمی‌شود، خود وکیل نیز ممکن است مورد تعقیب کیفری قرار گیرد.

همچنین، برخی قضات (نه همه آنان) با بداخلاقی و رفتار غیرحرفه‌ای موانعی برای انجام وظایف حرفه‌ای وکلای دادگستری ایجاد می‌کنند.

**در چه صورتی قاضی حق صدور حکم بازداشت وکیل را دارد؟**

ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم

## عدم پذیرش وکیل از طرف قاضی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود

مضافاً اصل ۳۵ قانون اساسی ایران حق داشتن وکیل را به رسمیت شناخته است و در قوانین پائین دستی نیز محاکم از عدم پذیرش وکیل منع به گونه‌ای که عدم پذیرش وکیل از طرف قاضی تخلف انتظامی محسوب می‌گردد و در مواردی نیز (خصوصاً در مورد متهمین جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است) به شرحی که در ادامه توضیح خواهیم داد، دادرسی در غیاب وکیل صحیح و منطبق بر قانون شناخته نشده است.

در واقع حق برخورداری از وکیل، از مهمترین شروط فرایند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین المللی می‌باشد. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری «حق دفاع» نامیده می‌شود. اغلب محکوم،

از حقوق قانونی خود مطلع نیست و نمی‌تواند ادعاهای خود را آن گونه که باید و شاید به سمع قضات برساند از این رو حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوق دفاعی افراد و خصوصاً متهم است که در اسناد بین المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. به عنوان مثال در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی به این حق مسلم متهم تأکید شده است. از آنجایی که امروزه تخصص حرف اول را می‌زند به همین اعتبار این حق مسلم در اکثر کشورهای دنیا وکالت الزامی شده است.

بر همین اساس است که حقوقدانان آنجا که مبانی و اصول «امنیت قضایی» که در واقع مهم‌تر از امنیت اجتماعی فردی و اقتصادی است را بر می‌شمرند اصول متعددی را احصاء

«یکی از عناصر توسعه و عدالت قضائی، دادرسی عادلانه است، تامین و تضمین دادرسی عادلانه ملازمه با برخورداری طرفین پرونده (در دعوی خصوصی) و متهم (در دعوی که طرف آن دولت با نمایندگی دادستان است) از خدمات وکیل است. تامین و تضمین دادرسی عادلانه در موازین حقوق بشری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به همین دلیل بعنوان یکی از بدیهی‌ترین حق افراد در دنیا شناخته شده است.» این بخشی از صحبت‌های مازیار طاطایی حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری است با مجله حقوق ما، در رابطه با وکالت و حقوق وکلا در قوانین ایران. شرح کامل این گفت‌وگو در زیر آمده است.

**آقای طاطایی، ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شاکی یا متهم چیست و چرا ما اصولاً برای دعوی خود در دادگاه‌ها به وکیل نیاز داریم؟**

یکی از المان‌های توسعه و عدالت قضائی، دادرسی عادلانه است، تامین و تضمین دادرسی عادلانه ملازمه با برخورداری طرفین پرونده (در دعوی خصوصی) و متهم (در دعوی که طرف آن دولت با نمایندگی دادستان است) از خدمات وکیل است.

تامین و تضمین دادرسی عادلانه در موازین حقوق بشری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به همین دلیل بعنوان یکی از بدیهی‌ترین حق افراد در دنیا شناخته شده است. این حق در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی، سیاسی پیش‌بینی شده است.

می‌نمایند از جمله: منع بازداشت افراد به صورت غیرقانونی، تفهیم اتهام، گرفتن آخرین دفاعیات و ... اما یکی از جمله اصول مهم را حق داشتن وکیل برای متهم در دادرسی‌ها می‌شمرند.

قانونگذار در ایران هنگام تدوین قانون اساسی و قبل و بعد از آن سایر مراجع ذیصلاح این مورد را ملحوظ داشته‌اند. به عنوان مثال در حقوق موضوعه کشور، هیچ متهمی در دادگاه‌های کیفری یک نمی‌تواند این حق را از خود سلب نماید. اگر این کار را انجام دهد دادگاه نپذیرفته و به هر حال در صورت عدم داشتن وکیل انتخابی از سوی دادگاه وکیل تسخیری برای او مشخص می‌شود. همچنین اگر این نکته مورد لحاظ قرار نگیرد از اسباب و موجبات نقض رأی در دیوان عالی کشور به شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین مباحث مطروحه در حقوق اساسی، حقوق عمومی افراد می‌باشد که تحت عنوان «حقوق ملت» ثبت شده است.

بر همین اساس دولت ملزم به صیانت از کلیه حقوق عمومی و خصوصی آحاد ملت است مثل این حق، که منشعب از حقوق ناشی از اجرای عدالت می‌باشد تمامی افراد چه متهم و چه شاکی (خواهان یا خوانده) دوست دارند که عدالت در موردشان اجرا شود و تامین عدالت از الزامات قانونی دستگاه قضایی است.

این دستگاه به اشخاص حقوقدان در قامت دادستان، بازپرس، دادیار، دادرس مجهز است و آنها به نمایندگی از طرف قدرت عمومی افراد را تحت تعقیب و سر انجام آنها را محکوم یا تبرئه می‌نمایند. بنابراین به خاطر اینکه دو طرف کفه ترازوی عدالت یکسان باشد الزم است تا افرادی این طرف کفه ترازو به منظور دفاع و راهنمایی از افراد حاضر باشند. عدم رعایت حق مزبور مستلزم نفی تعادل میان طرفین دعوی و عدم اجرای صحیح عدالت در جامعه است. به هر حال «حق داشتن وکیل» از باب آزادی‌های عمومی و بنا به ضرورت‌های امروزی اجتماعی، پیشرفت تکنولوژی، گستردگی ارتباطات، و ... یکی از جمله حقوق عمومی مردم می‌باشد که شامل تمام افراد ملت اعم از زن و مرد، کبیر یا صغیر، با اهلیت یا محجور شده و حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران مخصوص یک عده از افراد ملت که دارای شرایط معین باشند نبوده و تمامی مردم می‌توانند از آن متمتع شوند.

**از لحاظ قانونی چه موانعی بر سر راه فعالیت وکلا در ایران وجود دارد؟**

قانونگذار در مقام تدوین قانون هیچ گونه مانعی برای وکیل



در مقام دفاع پیش بینی نکرده است. به عبارت دیگر وکیل آزادانه می‌تواند از موکل خود به شرط رعایت حرمت طرف مقابل، دادگاه و مرجع قضائی دفاع کند.

اما آنچه می‌توان از آن بعنوان جدی‌ترین مانع و یا محدودیت می‌توان از آن نام برد و با تاکید بر اینکه این ممنوعیت ناقض حقوق متهم است، وجود تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری است. مطابق این تبصره:

«در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.

مجازات‌های موضوع ماده ۳۰۲ که در تبصره فوق به آن اشاره شده است، سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر (جرائمی که مجازات آنها حبس از ۱۰ سال به بالا است) و جرائم سیاسی و مطبوعاتی است.

در واقع در چنین اتهاماتی، تنها وکلانی که مورد تایید ریاست قوه قضائیه هستند، در مرحله تحقیقات که در دادسرا انجام می‌شود حق مداخله دارند.

این محدودیت، همانگونه که به آن اشاره کردم، سالیان متمادی

است مورد اعتراض وکلا و حقوقدان‌ها است، ناظر بر حقوق متهمین است. وکلا و حقوقدان‌ها بر این باور هستند که این محدودیت موجب می‌شود که متهمین از امکان داشتن وکیل مستقل محروم و این محرومیت موجب تضییع حقوق ایشان و نهایتاً دادرسی عادلانه با خدشه جدی مواجه می‌گردد.

لازم به تاکید است که این محدودیت اگرچه در دادگاه‌ها قابل اعمال نیست، اما از آنجا که مرحله تحقیق در پرونده‌های کیفری رکن اصلی شاکله‌ی یک پرونده است، محرومیت متهم در برخورداری از وکیل مستقل در این مرحله، می‌تواند موجب انحراف در روند تحقیقات و تضییع حقوق متهم شود.

**جدا از آنچه که قانون مشخص کرده، وکلا و کار وکالت در ایران با چه محدودیت‌هایی روبرو هستند؟**

غیر از آنچه که قبلاً گفتم، محدودیت قانونی برای وکلا وجود ندارد، اما در مقام عمل، در پرونده‌های خصوصی که طرفین آن اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند، بعضاً وکلا با تهدیدات جانی و اعتباری از ناحیه طرف مقابل مواجه هستند. اما در مواردی که موضوع اتهام از جمله مواردی است که طرف آن دولت است که نمایندگی آن را دادستان بر عهده دارد که در مراجع قضائی از آنها به عنوان پرونده‌های امنیتی نام برده می‌شود، وکلا گاهی به موکلی که در زندان است به راحتی دسترسی ندارند و محدودیت‌های زمانی دسترسی وکیل به موکل امکان تدارک دفاع مناسب را از بین می‌برد.

همچنین در مواردی که ناظر بر پرونده‌های سیاسی که مراجع قضائی از آنها بعنوان امنیتی نام می‌برند، مشاهده شده است که وکلا با تذکرات، تهدیدات و تحدیداتی از ناحیه دادستانی مواجه شده‌اند و حتی در مواردی در نتیجه‌ی وکالت چنین پرونده‌هایی بازداشت نیز شده‌اند.

البته تذکر این نکته ضروری است که وکلا در زمان اخذ پروانه وکالت ملزم به اتیان سوگند هستند و در سوگندی که یاد می‌کنند، ضمن اینکه خود را ملزم به متابعت از قانون می‌نمایند، تاکید می‌کنند که نظرات سیاسی خود را در مقام دفاع از موکل اعمال نکنند. در واقع قانونگذار به منظور ایجاد شرایطی که وکیل صرفاً در چهارچوب قانون از موکل دفاع نماید و حق دفاع قانونی متهم تحت تأثیر نظرات و تمایلات سیاسی وکیل قرار نگیرد، این ممنوعیت را ایجاد نموده است.

اما نکته‌ای که گاهی ممکن است در برخی مراجع مورد توجه قرار نگیرد همین امر است که وظیفه وکیل دفاع از حقوق موکل است و دفاع از نظرات و تمایلات سیاسی و عقیدتی موکل نیست.

**وکیل در حین دفاع از موکل یا نوشتن دفاعیه، با چه محدودیت و خط قرمزهایی روبرو است؟**

بطور خلاصه و با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، در مقام دفاع وکیل ملزم به رعایت احترام طرفین و دادگاه و مرجع قضائی است، همچنین از اعمال نظرات سیاسی خود در مقام دفاع ممنوع است. به غیر از آنچه گفته شد، بطور قانونی و نیز در عالم واقع وکیل از محدودیت دیگری برخوردار نیست.

**در چه صورتی قاضی حق صدور حکم بازداشت وکیل را دارد؟**

بعنوان وکیل و در قامت وکالت در پرونده و دفاع از حقوق موکل، قوانین اجازه‌ی بازداشت وکیل به دلیل دفاع از موکل را نداده‌اند. در قانون آئین دادرسی کیفری سابق، در مواردی که به تشخیص قاضی دادگاه وکیل موجب اخلال در جلسه رسیدگی می‌شد، قاضی اجازه داشت وکیل را برای مدت ۴۸ ساعت بازداشت کند اما قانون آئین دادرسی فعلی این موضوع را کلاً حذف نموده است.

البته ممکن است وکیل نیز مانند هر فرد عادی مرتکب جرم گردد و بازداشت شود.

در مواردی که وکلای دادگستری که دفاع از متهمین سیاسی را بر عهده داشته‌اند، با بازداشت و محکومیت زندان مواجه شده‌اند، که حسب اعلام این افراد در نتیجه‌ی وکالت آنها در پرونده‌های متهمین سیاسی بوده است. اگرچه، اتهامات انتسابی به ایشان، اتهامات مستقل مانند تبلیغ علیه نظام و یا اقدام علیه امنیت ملی عنوان شده است.

**بازداشت وکلا در ایران چه در گذشته و چه اخیراً بر اساس کدام قانون انجام گرفته است؟**

در مقام انجام امور وکالتی و دفاع از حقوق موکل، در حال حاضر هیچ مرجعی حق بازداشت وکیل را ندارد اگرچه در قانون آئین دادرسی کیفری سابق به شرحی که در بالا گفته شد در مواردی که به تشخیص قاضی وکیل موجب اخلال در رسیدگی شناخته می‌شد، قاضی می‌توانست وکیل را برای مدت ۴۸ ساعت بازداشت کند.

اما همانگونه که قبلاً گفته شد، در مواردی که وکلا دفاع از حقوق متهمین سیاسی را بر عهده داشته‌اند، در نتیجه‌ی برخی اطلاع رسانی‌ها و یا اظهار نظرهای حقوقی در خارج از دادگاه در مورد پرونده‌های موکلین‌شان با اتهاماتی مانند تبلیغ علیه نظام و یا اقدام علیه امنیت ملی مواجه شده‌اند که منجر به بازداشت و محکومیت آنها شده است.





جدا از آنچه که قانون مشخص کرده، وکلا و کار وکالت در ایران با چه محدودیت‌هایی روبرو هستند؟

علاوه بر موارد بالا و تهدید نهادهای فراقانونی ممکن است از سوی اصحاب دعوی و یا اشخاصی مزدور و اجیر شده نیز وکیل مورد تهدید و تعدی قرار گیرد و یا از سوی رسانه‌ها و هژمونی فرهنگ تبلیغی حاکم مورد توهین قرار گیرند. یعنی گاهی سیاست کلی کشوری کاستن از قدرت و ارزش وکالت است و وکلای دادگستری را اشخاص شیاد معرفی کنند که متأسفانه در فرهنگ رسانه‌ای و در فیلم‌ها و سریال‌های صدا و سیما بارها تکرار شده است.

وکیل در حین دفاع از موکل یا نوشتن دفاعیه، با چه محدودیت و خط قرمزهایی روبرو است؟

محدودیت‌های وکیل در حین دفاع عبارت از لزوم رعایت ادب و انصاف در کلام و پرهیز از بکار بردن زبان ناشایست و رعایت نظم جلسه و قوانین است. وکیل نباید شرافت شغلی را زیر پا بگذارد و اسرار موکل را حتی برای دادگاه افشا کند و یا اسرار موجود در پرونده را جایی برملا کند. مصاحبه و گفتگو نیز آدابی دارد و بایستی رعایت این موارد را بکند.

در چه صورتی قاضی حق صدور حکم بازداشت وکیل را دارد؟ بازداشت وکلا گاهی بر مبنای وقوع یک جرم است که وکیل نیز ممکن است مثل هر فرد دیگری در جامعه مرتکب جرم عمومی شود اگر از این جرایم بگذریم تنها در یک یا دو مقرر قانونی و در موارد محدود وکیل قابل بازداشت است که یکی از آنها افشای اسرار حرفه‌ای و شغلی است که ممکن است تعقیب کیفری و انتظامی وکیل را در پی داشته باشد. سابقاً اخلاق در نظم جلسه دادگاه از سوی وکیل ممکن بود به بازداشت تا ۵ روز وکیل منتهی شود شخص قاضی رسیدگی کننده می‌توانست دستور جلب وکیل را بدهد اما خوشبختانه این قانون لغو شده و در چنین مواردی قاضی صرفاً می‌تواند مراتب تخلف وکیل را به دادسرای انتظامی کانون وکلا و یا در موارد محدود به دادسرای عمومی اعلام کند و نمی‌تواند راساً دستور بازداشت وکیل را صادر کند.

در سایر موارد بازداشت که به تبع امر دفاع و یا بواسطه دفاع صورت گرفته باشد قطعاً چنین بازداشتی غیر قانونی است و اگر وکیلی را بدون ارتکاب جرم مربوط به افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای بازداشت شود حتماً پای نهادهای فراقانونی در میان است و قصد اصلی آنها نیز سرکوب و یا جلوگیری از آن ارزش‌هایی است که آن وکیل برایش قیام و دفاع کرده است مثل حق آزادی، امنیت، حیثیت اجتماعی و آزادی امر دفاع و آزادی اندیشه و عقیده و دین که هر فردی در چنین مواردی از هر گونه تعرض و تجاوزی مصون است.

بنیه مالی نه تنها در میان وکلا برای کل مردم ایران بیداد می‌کند و این یک خطر است و وکالت را از یک ارزش به سمت یک کسب مادی صرف تنزل می‌دهد و شرافت این شغل ممکن است در پاره‌ای موارد در معرض خطر قرار گیرد.

وکالت در دادگاه‌ها یک حق بنیادین و مدنی است و بایستی وکیل از تعرضات و سرفتاها و بگیر و ببندها چه در مقام و موضع دفاع چه پس از آن مصون و محفوظ باشد نه اینکه وکیل واهمه و بیم بازداشت و منع و محرومیت شغلی بخاطر دفاع از حقوق موکل را داشته باشد. در ایران بر اساس برخی مقررات وکیل حتی ممکن است بازداشت شود. برخی موانع نیز شناسایی شده است مثلاً تخلفات انتظامی و صنفی اگر از سوی یک وکیل روی دهد موجبات تعقیب انتظامی وی را در دادگاه و دادسرای انتظامی در پی خواهد داشت. اگر وکیل اسرار موکل را حفظ نکند یا شأن شغلی را رعایت نکند و یا در هنگام دفاع از انصاف و عدالت تجاوز کند و یا به دادگاه توهین کند یا نظم جلسه را بهم بزند در اینجا طبیعی است که وکیل با ممنوعیت و محدودیت روبرو است.

موانع اصلی سد راه وکالت اما نهادهای فراقانونی هستند که آن ارزش‌هایی که وکلا مدافع بدنبال آن هستند را پایمال می‌کنند و از مسیر منحرف کنند و وکیل را از مسیر و موضع عدالت خواهی و حق طلبی منصرف و در مواردی تهدید کنند.

## نهادهای فراقانونی، موانع اصلی

### سد راه وکالت

بر اساس قوانین ایران وکلا در حین بررسی پرونده، فرایند داری و پس از صدور حکم موکل خود چه حق و حقوقی برای دفاع از موکل خود برخوردارند؟

وکیل در امر داری در عموم موضوعات دارای اختیار کافی و تام است، یعنی در همه مواردی که برای تظلم خواهی و یا دفاع از حقوق موکل در محاکم و در هنگام داری لازم آید وکیل دارای اختیار قانونی است مگر آنچه را خود موکل منحصرأ منع کرده یا تخصیص زده باشد. اما در قانون برای پاره‌ای از اختیارات وکیل تصریح ویژه ذکر شده است که مثلاً ادعای جعل نسبت به سند یا اعلام رضایت و سازش با طرف دعوی و برخی مصادیق تخصصی دیگر مثل دفاع از دعوی ثالث یا مواردی از این قبیل ... نیاز به اذن و تصریح قانونی دارد.

وکیل برای دفاع از موکل اش بایستی از تضمینات و مصونیت‌های شاغلین شغل قضا برخوردار باشد یعنی آزادی امر دفاع و استقلال از محکمه و صلاحیت ایراد قانونی و حتی در موارد تذکر قانونی، و در قانون نیز تصریح قانونی راجع به چنین موارد خوشبختانه موادی وجود دارد.

از لحاظ قانونی چه موانعی بر سر راه فعالیت وکلا در ایران وجود دارد؟ موانع سد راه وکالت در ایران زیاد است. اولین آن وابستگی شغل وکالت به ارتزاق از محل کسب و مسایل مالی است که اگر ما می‌گوییم استقلال این بایستی نه تنها از قوای حاکم و حقوق‌بگیری وکیل از دستگاه دولتی و یا دادگاه بلکه بایستی از خود موکل و مادیات نیز استقلال نسبی وجود داشته باشد اما می‌بینم که ضعف

چرا ما برای دعاوی خود در دادگاه به وکیل نیاز داریم؟ ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شاکی یا متهم چیست؟ همچنین بر اساس قوانین ایران وکلا در حین بررسی پرونده، فرایند داری و پس از صدور حکم موکل خود چه حق و حقوقی برای دفاع از موکل خود برخوردارند؟ از لحاظ قانونی چه موانعی بر سر راه فعالیت وکلا در ایران وجود دارد؟

این‌ها بخشی از سؤالاتی است که مجله حقوق ما با مصطفی احمدیان، حقوقدان و وکیل دادگستری در میان گذاشته است. شرح کامل این مصاحبه را در زیر بخوانید.

ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شاکی یا متهم چیست و چرا ما اصولاً برای دعاوی خود در دادگاه‌ها به وکیل نیاز داریم؟

این به نفس حق دفاع و نمایندگی و نفس وکالت بر می‌گردد. هر شخصی حق دارد برای عموم موضوعات وکیل و نماینده انتخاب کند. این یک عقد و یک آیین است که ریشه در فرهنگ و تاریخ هزاران ساله دارد. حق وکالت در زمره حقوق ذاتی و بنیادین نیز تلقی شده یعنی نه تنها برای امور مالی و تجاری و شغلی بلکه برای وقایع جنایی و حضور در محاکم و نزد مقامات رسمی و دولتی به نیابت از موکل نیز تعریف شده و اینجاست که وکالت، صورت یک فن و تخصص را بخود می‌گیرد و بایستی از سواد و دانش و صلاحیت قانونی برخوردار باشد. از این رو قانونگذار وکیل دادگستری را از وکیل مدنی و فقهی جدا کرده است و وکالت در دادگاه‌ها را به وجود پاره‌ای قیود و شرایط نموده است.



## وکلاي دادگستري بايد همانند قضات

### داراي مصونيت قضايي باشند

در ايفاي حقوق‌شان ياري کنند. چرا که در غير اين صورت صرفا افرادی که علم و آگاهی بیشتری نسبت به قوانين و مقررات دارند خواهند توانست از حق خود دفاع کنند و در نتيجه حقوق ديگر افراد جامعه تضییع خواهد شد.

از سوی ديگر نظام‌های قضايي و دادگستري در کشورها به تنهائي توان اجرای عدالت را ندارند. آنها برای اجرای عدالت نياز به گروهی دارند که به عنوان یک نهاد بی‌طرف در دعاوی صرفا به دنبال دستيابی به حقوق طرف خود (موکل) باشند تا از اين طريق بتوانند عدالت را برای هر دو طرف دعوا اجرا کنند.

به علاوه اینکه در مقام عمل اعمال قدرت از سوی صاحبان قدرت (حاکمان) و صاحبان ثروت در نظام‌های قضايي می‌تواند بر روند دادرسی و اجرای عدالت سایه بيافکند و مسیر اجرای عدالت را به سود خود آنان تغییر دهد. در چنین شرايطی است که وکلای دادگستري به عنوان ناظران مستقل و دانا به قوانين و مقررات می‌توانند از حقوق جامعه و شهروندان در برابر نظام قدرت و ثروت دفاع کنند و اجرای قانون را تضمین نمایند.

نقش وکلای دادگستري در بهره‌مندی شهروندان از حقوق‌شان به حدی است که در قوانين بين‌المللی نیز بر آن تاکید شده. به عنوان مثال ماده ۱۴ میثاق بين‌المللی حقوق مدنی و سياسي، حق بهره‌مندی از وکیل را از حقوق اصلی متهمان به ارتکاب جرم دانسته است. علاوه بر میثاق، حق برخورداری از وکیل در پروسه‌های قضايي، به ویژه پرونده‌های کيفري، در اساسنامه ديوان بين‌المللی کيفري، آيين‌نامه اروپايی زندان‌ها، و همچنین تعدادی از اسناد مصوب سازمان ملل متحد، به ویژه سند «اصول اساسی

یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌هایی که وکلا در ايران با آن مواجه هستند، نوع نگاهی است که قوه قضاييه جمهوری اسلامی اساسا به مقوله وکالت و به ویژه وکلای کانون وکلای دادگستري دارد.

در نظام جمهوری اسلامی از آنجا که دستگاه قضايي یک نظام تمام حاکميتی است و به نوعی ابزار قوه قهریه حکومت نسبت به جامعه محسوب می‌شود و به شدت به نهادهای امنيتی حاکميت وابسته است از اين رو وجود هر نهاد مستقل مانند وکلا در برابر استفاده تمام و کمال حاکميت از اين قوه قهریه غيرقابل تحمل می‌شود. چرا که نظام قضايي را از اجرای صرف سياست حاکميت باز می‌دارد و در بسياری موارد از حقوق شهروندانی دفاع می‌کند که حکومت به دنبال سرکوب آنان است.

اينها بخشی از سخنان معین خزائلی، حقوق‌دانی است که در مصاحبه با مجله حقوق ما، است، در رابطه با حقوق وکلای دادگستري در ايران و همچنین محدودیت‌ها و مشکلاتی که وکلای دادگستري در ايران با آن دست به گریبان هستند.

مشروح کامل اين گفتگو را در زیر می‌توانید مطالعه کنید.

**ضرورت انتخاب و معرفی وکیل برای یک شاکی یا متهم چیست و چرا ما اصولا برای دعاوی خود در دادگاه‌ها به وکیل نياز داریم؟**

در دنياي امروز با توجه به حجم بالای قوانين و مقررات موجود مسلما اين امکان برای همه مردم فراهم نیست که از همه قوانين و مقررات آگاهی داشته باشند و به وقت ضرورت بتوانند از حقوق خود با استناد به قوانين دفاع کنند. از اين رو نياز به افرادی است که با علم و دانش کافی نسبت به همه قوانين ديگر شهروندان را

پرونده مورد استفاده قرار می‌گیرد مطالعه کنند.

به علاوه اینکه وکلای دادگستري در اظهار نظر درباره پرونده و انجام وظایف وکالت آزادند و نمی‌توان آنها را به دليل اعلام رای و نظر خود در دادگاه درباره پرونده تحت تعقیب قرار داد.

اين الزامات قانونی البته به طور کامل اجرا نمی‌شوند و در بسياری از موارد وکلا از دسترسی به پرونده موکل خود و محتویات آن به دلایل واهی و بی‌اساس باز می‌مانند.

از لحاظ قانونی چه موانعی بر سر راه فعاليت وکلا در ايران وجود دارد؟ یکی از بزرگترین موانع انجام وظیفه وکالت در ايران به ویژه در پرونده‌های امنيتی تبصره ماده ۴۸ قانون آيين دادرسی کيفري است که در اصلاحات سال ۱۳۹۴ به اين قانون اضافه شد. بر اساس اين تبصره متهمان پرونده‌هایی که امنيتی خوانده می‌شوند، يعنی پرونده‌هایی که دعوا مابين حاکميت و نهادهای امنيتی‌اش با شهروندان است و به راحتی امکان تضییع حقوق انسانی متهم وجود دارد، صرفا اجازه دارند از وکلای بهره ببرند که مورد تاييد رئیس قوه قضاييه باشند.

اين بدان معنی است که متهم چنین اتهاماتی از حمايت و ياری وکیل مورد اعتماد خود محروم هستند. حال آنکه اين مساله به صراحت بر خلاف قانون است چرا که بر اساس قانون حق «انتخاب» وکیل از حقوق اساسی متهم است.

در مورد دادگاه ویژه روحانيت نیز روند به همین منوال است و صرفا وکلای صلاحيت وکالت متهمان در اين دادگاه را دارند که از سوی دادگاه صلاحيت آنها تاييد شده باشد. دادگاه ویژه روحانيت نیز صرفا وکلای را تاييد صلاحيت می‌کند که خود روحانی باشند. در حقيقت متهمان در دادگاه ویژه روحانيت نمی‌توانند وکیل غير روحانی داشته باشند که اين حکم نیز صراحتا بر خلاف قانون آزادی انتخاب وکیل است.

**جدا از آنچه که قانون مشخص کرده، وکلا و کار وکالت در ايران با چه محدودیت‌هایی روبرو هستند؟**

یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌هایی که وکلا در ايران با آن مواجه هستند، نوع نگاهی است که قوه قضاييه جمهوری اسلامی اساسا به مقوله وکالت و به ویژه وکلای کانون وکلای دادگستري دارد. در نظام جمهوری اسلامی از آنجا که دستگاه قضايي یک نظام تمام حاکميتی است و به نوعی ابزار قوه قهریه حکومت نسبت به جامعه محسوب می‌شود و به شدت به نهادهای امنيتی حاکميت وابسته است از اين رو وجود هر نهاد مستقل مانند وکلا در برابر استفاده تمام و کمال حاکميت از اين قوه قهریه غيرقابل تحمل می‌شود. چرا که نظام قضايي را از اجرای صرف سياست حاکميت باز می‌دارد و در بسياری موارد از حقوق شهروندانی دفاع می‌کند که حکومت به

درباره نقش وکلا»، مورد تاکید قرار گرفته است.

در ايران نیز اصول ۳۵ قانون اساسی، ماده ۱۹۰ قانون آيين دادرسی، ماده ۳۱ قانون آيين دادرسی مدنی حق بهره‌مندی از وکیل را برای شهروندان به رسميت شناخته‌اند و در موارد محدود در ماده ۳۴۸ قانون آيين دادرسی کيفري مانند جرایمی که مجازات آنها سلب حیات است حضور وکیل را الزامی دانسته‌اند.

**بر اساس قوانين ايران وکلا در حین بررسی پرونده، روند دادرسی و پس از صدور حکم موکل خود چه حق و حقوقی برای دفاع از موکل خود برخوردارند؟**

بر اساس قانون آيين دادرسی کيفري وکلا بايد در جریان احکام و قرارهای صادره عليه موکل خود قرار گیرند و متن حکم یا قرار در اختيار آنها نیز قرار گیرند. آنها همچنین اجازه دارند به ویژه در محله تحقیقات مقدماتی با موکل خود دیدار و گفتگو کنند. آنها بايد به پرونده موکل دسترسی داشته و آن را مطالعه کنند. به ویژه در جرایم امنيتی بايد به آنچه که به عنوان اعترافات متهم از سوی دادستانی اعلام می‌شود دسترسی داشته و بتوانند محتویات بازجویی را که در



دنبال سرکوب آنان است.

حتی در مواردی که حاکمیت یک طرف دعوی نیست و دعوی میان خود شهروندان نیز در جریان است باز هم تلاش برای القا و اجرای تفکر غالب حاکمیتی در پرونده‌های قضایی وجود دارد و در نتیجه مداخله وکلا در این روند سبب اختلال این سیاست و ناراحتی نظام قضایی از وکلا می‌شود. به عنوان مثال نظام قضایی جمهوری اسلامی تلاش بسیار زیادی می‌کند تا وکلارا از روند طلاق حذف کند چرا که به نظرش اولاً اساساً طلاق و ازدواج تاسیساتی دینی‌اند و نیازی به حضور وکلای غیر روحانی و فقه‌نخوانده در آنها نیست و دوم اینکه حضور وکلا را سبب گسترش طلاق و مخالف با ایدئولوژی حاکم در اولویت حفظ ازدواج می‌دانند. از این تاکنون بارها با روش‌های متفاوت سعی کرده‌اند وکلا را از حضور در روند طلاق خارج کنند.

دخالت قضات، دادیاران، بازپرس‌ها و مقامات قضایی در کار وکلا و به ویژه عدم اجازه حضور آنها به عنوان وکیل در پرونده‌ها از دیگر فشارهایی که نظام قضایی جمهوری اسلامی بر وکلای دادگستری وارد می‌کند. به این صورت که قضات به سادگی و راحتی به وکیل اعلام می‌کنند که وکالت او را در پرونده قبول ندارند. اقدامی که اگرچه غیر قانونی است اما به کرات انجام می‌شود و وکلا به اجبار وادار به کناره‌گیری از پرونده می‌شوند.

**وکیل در حین دفاع از موکل یا نوشتن دفاعیه، با چه محدودیت و خط قرمزهایی روبرو است؟**

اگرچه دفاع از متهم حق وکیل و در واقع وظیفه اوست اما بارها وکلا به دلیل دفاع از موکل، خود متهم به طرفداری از یک فعل مجرمانه یا یک گروه سیاسی یا جمعیت مذهبی می‌شوند. گزارش‌های فراوانی تاکنون از سوی وکلای دادگستری به ویژه در پرونده‌های امنیتی و سیاسی روایت شده که در پی دفاع آنها از موکلان خود، قضات دادگاه‌های انقلاب وکلا را نیز به همکاری با متهم یا مثلاً طرفداری از گروه‌های سیاسی یا مذهبی به ویژه بهائیان متهم کرده و با این روش سعی کردند وکیل را سرکوب و ساکت کنند.

**در چه صورتی قاضی حق صدور حکم بازداشت وکیل را دارد؟**

بر اساس تبصره ۳ ماده واحده مربوط به «حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوب ۱۳۷۰ در ایران، وکلای دادگستری دارای مصونیت قضایی به مانند مصونیت قضایی قضات هستند و در نتیجه تعقیب قضایی آنها تابع شرایط خاصی است. به ویژه اینکه اساساً نمی‌توان وکیل را به سبب انجام وظیفه وکالت و فعالیت‌ها و اقداماتی که لازمه انجام این وظیفه است مجرم شناخت و یا تعقیب کرد. در عین حال اما اگر یک وکیل در اجرای وظایف وکالت خود

اهمال یا قصوری کند، پرونده او در دادگاه انتظامی وکلا قابل پیگیری است و صلاحیت رسیدگی به پرونده صرفاً در دادگاه انتظامی وکلا است. با این وجود اما در صورتی که وکیلی مرتکب جرمی خارج از محدوده وکالت شود یا جرم مشهودی مرتکب شود رسیدگی به اتهام او در دادگاه‌های عمومی خواهد بود و بازداشت او نیز امکان‌پذیر است. مساله اما اینجاست که در عمده موارد بازداشت وکلا در ایران، دلیل اصلی بازداشت آنها به دلیل فعالیت‌ها و اظهار نظرهای آنان در امور مربوط به انجام وظیفه وکالت و دفاع از موکل خود بوده و اتهام‌های واهی امنیتی نیز پوششی برای آن بوده است. مثلاً روشن‌ترین نمونه این مدل بازداشت، بازداشت‌های اخیر وکلای دادگستری است که به دلیل تلاش آنها برای انجام امر وکالت یعنی ثبت شکایت در دادگستری و طرح دعوی اتفاق افتاده. در حقیقت آنها به دلیل اینکه قصد داشتند از مسئولان به دلیل اهمال در انجام وظیفه خود شکایت کنند بازداشت شدند؛ حال آنکه طرح دعوی و شکایت از اصلی‌ترین امور وکالتی و وظیفه وکیل است.

**بازداشت وکلا در ایران چه در گذشته و چه اخیراً بر اساس کدام قانون انجام گرفته است؟**

در قریب به اتفاق موارد، دستگیری وکلای دادگستری در ایران با استناد به قوانین و اتهاماتی صورت گرفته که مرجع رسیدگی به آنها دادگاه انقلاب بوده است؛ یعنی اتهامات امنیتی به ویژه موضوع اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام. چرا که قانوناً نهادهای امنیتی تنها در دادگاه‌های انقلاب هستند که می‌توانند در پشت درهای بسته و به سادگی به هر آنچه که می‌خواهند برسند و قضات این دادگاه‌ها نیز به راحتی هر حکمی که مورد درخواست نهادهای امنیتی باشد صادر می‌کنند. دلیل دیگر نیز این است که تنها با این اتهام می‌توانند وکلای بازداشتی را از دیدار با وکلای خود محروم کنند.

مساله اصلی اما اینجاست که در عمده موارد مانند مورد اخیر حتی دلیل دستگیری و مرجع دستگیری هم به طور رسمی اعلام نمی‌شود. حال آنکه بر اساس قانون دستکم متهم و خانواده او باید در جریان اتهام وی قرار گیرند.

دلیل اصلی برخورد با وکلا اما این است که نظام قضایی - امنیتی جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاضر نیست نهادی مستقل را در برابر خود تحمل کند. نهادی که با تمام فراز و نشیب‌ها و تلاش‌ها برای از بین بردن استقلال آن تا حدودی توانسته استقلال خود را همچنان حفظ کند و از حقوق شهروندان در برابر زیاده خواهی نظام قضایی - امنیتی جمهوری اسلامی دفاع کند.

## شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند



نیره انصاری

### وکیل بدون حق

«ژانویه سال ۱۹۷۷، در حمله مسلحانه نئوفاشیست‌های اسپانیا به یک دفتر وکالت، چهار وکیل اسپانیایی به قتل رسید و هشت نفر دیگر به شدت زخمی شدند. این واقعه نه آغاز و نه پایان آزار وکلا بود...»

در حقیقت پس از بهمن ۵۷ در ایران، به دلیل تصورات غیر اصولی و برخلاف قانون، کانون وکلا به صورت انتصابی [توسط قوه قضاییه] اداره می‌شد. از دیگر فراز، جمهوری اسلامی تنها یک سال پس از استقرار به مبارزه علنی با کانون وکلا پرداخت. زیرا که نمی‌خواست وکلای دادگستری در محاکمه‌ها و پرونده‌های سیاسی دخالت کنند.

این نظام در سال ۱۳۵۹ ابتدا مانع از برگزاری انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا شد. «سیدمحمد بهشتی به‌عنوان رئیس دیوان عالی کشور طی نامه‌ای رسمی به هیات مدیره کانون وکلا از این نهاد درخواست نمود تا از انجام انتخابات جلوگیری کند برای اینکه انتخابات هیات مدیره کانون هر دو سال یک بار بود و در سال ۱۳۵۹ دوره ماموریت هیات مدیره کانون وکلا منقضی شده بود.

در سال ۱۳۶۰ اکثریت اعضای هیات مدیره کانون وکلا را به دلیل مخالفت با تصویب لایحه قصاص دستگیر نموده و برای عده زیادی از وکلا پرونده سیاسی تشکیل دادند. بر این

اساس کانون وکلای دادگستری از بدو مستقر شدن جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۷۶ به نحو انتصابی اداره می‌شد. اما در سال ۷۶ اداره کانون به هیئت مدیره واگذار گردید. اگرچه از آن سال تاکنون چالش‌های فراوانی بین این کانون و نهادهای قانونی موجود است.

فراتر از این تجاوزات، جمهوری اسلامی به ویژه قوه قضاییه، در سال ۱۳۹۷، مبادرت به اعلام اسامی ۲۰ تن از وکلای گزینشی این قوه یعنی اصلاح تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری نمود. با استناد به این ماده که تصریح می‌دارد: «در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور... در مرحله تحقیق مقدماتی، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید قوه قضاییه باشند انتخاب می‌کنند.»

افزون بر اعلام فهرست اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه برای وکالت در پرونده‌های سیاسی و امنیتی در تهران، به برخی وکلا اعلام شده که «مطلقاً حق پذیرش وکالت و ورود به چنین پرونده‌هایی» را ندارند. مانند دراویش گنابادی و بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی عقیدتی که دادگاه انقلاب تهران و مقامات دادسرای امنیت و زندان بزرگ تهران «برگه‌های سفیدی» در اختیار آن‌ها قرار داده و به بهانه تفهیم اتهام و به صورت «اجباری» از آنان امضاء گرفته‌اند.

حتی به گفته فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر،





مقامات قوه قضائیه این دراویش گنابادی را «از داشتن وکیل به انتخاب خود محروم کرده» و درخواست «وکلائی سرشناس و خوش نام» برای وکالت آنان را رد کرده‌اند.

از این بیش تعدادی از وکلای شریف (همکارانم) در زندان‌های ایران محبوس‌اند. و با مشکلات گسترده‌ای به ویژه تعیین مجازات‌های طولانی مدت برای وکلایی چون امیرسالارداوودی، مصطفی دانشجو، هدی عمید، محمدنجفی، آرش کیخسروی، پیام درفشان که از ژوئن ۲۰۲۰ ناپدید شده است، مواجه‌اند و یا عبدالفتاح سلطانی حتی پس از آزادی وزارت اطلاعات مانع از کار حرفه‌ای اوست.

حال آنکه پرونده‌های امنیتی و سیاسی پرونده‌های مهمی هستند. در این پرونده‌ها شاکی یا نیروهای امنیتی است یا نیروهای اطلاعاتی و یا خود دادستان. بنابراین اگر قرار باشد که هم شاکی آن‌ها باشند، هم رسیدگی به پرونده توسط این نهاد صورت گیرد و وکیل هم منتخب خود آن‌ها باشد، عملاً هیچ مفری برای متهم نمی‌ماند و جایگاه حق دفاع هم متزلزل شده و از بین می‌رود.

در پرونده‌های امنیتی و سیاسی خواست بر این است که افراد را به هر نحوی که می‌خواهند مورد محاکمه قرار دهند و علاقه‌مند نیستند که اطلاعاتی از محتویات پرونده یا مدافعات متهم به بیرون درز کند و مسئولان نگران بوده‌اند که اگر این اطلاعات به بیرون منتقل شود با اقدامات خودسرانه‌شان منافات خواهد داشت.

بنابراین ترتیبی داده شد تا تنها وکلای مورد اعتمادی که بر اساس خواست و دیدگاه حاکمیت عمل می‌کنند اجازه دسترسی به این قبیل پرونده‌ها و محاکمات را داشته باشند. بدین اعتبار با توجه به انتشار لیست غیررسمی اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد وثوق رئیس قوه قضائیه، می‌توان بیان داشت که اساساً اصل تبصره ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری اشکال اساسی و بنیادی دارد:

#### ایرادها

- به حیث قضایی اجرای این تبصره برای رئیس قوه قضائیه تکلیفی ایجاد می‌کند که بر اساس آن باید از میان تعداد کثیری از وکلای تعدادی را برای این لیست انتخاب نماید.

- از منظر نهاد وکالت نیز داشتن پروانه وکالت برای هر وکیلی به منزله احراز صلاحیت اوست. در نتیجه همه وکلا صلاحیت

لازم را در امر وکالت دارا هستند و هیچ استثنایی بر این قاعده وجود ندارد.

البته در جرایمی مانند جرایم تروریستی و جرائمی که منافع کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شخصی که در مظان اتهام است می‌تواند به مدت ۲۴ ساعت به تنهایی مورد بازجویی قرار گیرد و در برخی سیستم‌های قضایی دیگر کشورها وجود دارد. که البته در بسیاری از کشورها متهم از همان ابتدای بازجویی حق داشتن وکیل را داراست به نحوی که در زمان غیبت وکیل می‌تواند از پاسخ به پرسش‌های بازجو سرباز زند. اما اینکه بین وکلا تبعیض قائل شوند نه در جایی سابقه دارد و نه با اصول حقوقی سازگار است.

از این بیش تقسیم وکلای به خودی و غیرخودی یکی از بزرگترین ستم‌ها در حوزه وکالت در ایران شمرده می‌گردد.

- این تبصره به حقوق اساسی شهروندان نیز لطمه وارد می‌کند زیرا به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها، طرفین و اصحاب دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند.» بدین اساس وکالت رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد است و شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند. که این مهم یکی از نشانه‌ها در امر انتخاب و آزادی در حق انتخاب است و

انتخاب زمانی آزادانه خواهد بود که موکل بتواند از میان وکلای موجود، وکیل مورد نظر خود را برحسب شناخت، تخصص، تعهد و تبحر برگزیند.

فراتر از این اگر قرار باشد شهروندان از میان وکلا تعداد معدودی از وکلا حق انتخاب داشته باشند، حق شهروندی آنان بدرستی استیفاء نمی‌شود.

- از دیگر ایرادها، تبعیض ایجاد شده میان وکلا است که این امر خود موجب ایجاد رانت بزرگی بین این افراد خواهد گشت. افزون بر موارد یاد شده درصد بالایی از وکلای معرفی شده برگزیده توسط قوه قضائیه، پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی در «نهادهای حکومتی» بوده‌اند.

همچنین ما به مردم عادی می‌گوییم یک مبیعه‌نامه عادی را نخوانده امضا نکنید ولی ۸۰ نماینده این طرح را امضا کردند. حداقل ۲ نفر از نمایندگان را سؤال کردیم و گفتند ما طرح را نخوانده امضا کردیم و از ما عذرخواهی کردند. وقتی نماینده

مجلس در مقام قانونگذار چنین خطبی می‌کند، نه تنها ۸۰ هزار وکیل بلکه ۳۰ میلیون مردمی که در دادگستری ۱۵ میلیون پرونده دارند، دچار گرفتاری می‌شوند. بنابراین از یک سو

تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و ابلاغ اسامی ویژه، در حقیقت «نفی اعتبار کانون وکلا» و نیز «اهانت به خیل عظیم وکلا» است.

- این قانون بنا به دلایل گوناگون از جمله تعارض با مفاد اصل‌های مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۳۵ و حتی موازین شرعی نقطه عطف منفی در کارنامه شورای نگهبان خواهد بود.

همچنین دخالت قوه قضائیه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت» است. در واقع بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی نه امکان جامعه‌ای عادلانه و نه امکان اعتلای آن خواهد بود. از این بیش بر اساس اصل معتبر حقوقی «اصل برائت» اساساً وکیل دادگستری با توجه به دارا بودن پروانه وکالت، خنق وکالت و ورود به هر پرونده‌ای را بر اساس قانون دارد و گزینش وکلا نمی‌تواند به دلیل «فقدان معیار، مبنا و مرجع» قانونی و شرعی باشد.

- بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی ایران، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند.

- و این در حالی است که بر اساس یک روال معمول در



کشور که وکلا آن را «غیرقانونی» می خوانند، فعالین سیاسی و مدنی و دیگر افرادی که توسط وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و دیگر نهادهای امنیتی بازداشت می شوند، در مدت بازداشت موقت و بازجویی به وکیل دسترسی ندارند.

پیش از این غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری استان تهران، گفته بود که انتخاب وکلای «مورد اعتماد قوه قضائیه» تنها برای مراحل تحقیقات مقدماتی است، مرحله ای که پیش از این «اصلاً وکیل پذیرفته نمی شود».

- ایراد دیگری که در خصوص تبصره ۴۸ آیین دادرسی کیفری وجود دارد این است که اگر واقعا این لیست صحت داشته باشد میان وکلای تبعیض ایجاد می شود و رانت بزرگی میان این افراد شکل می گیرد.

- از این بیش این که تعدادی از وکلای معرفی شده در فهرست ۲۰ تن از وکلای «مورد اعتماد» قوه قضائیه در تهران، پیش از این قاضی بوده و پس از بازنشستگی وکیل شده اند. از فهرست وکلای اعلام شده در یکی از استان ها، «۷۰ درصد پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی نهادهای حاکمیتی بوده اند».

- حسن تردست از جمله وکلای مورد اعتماد قوه قضائیه در دوره قضاوت خود در ۸۰۰ پرونده حکم قصاص صادر کرده که برخی از آن ها از جمله پرونده ریحانه جباری بحث برانگیز شده است.

- عبدالرضا محبتی یکی از دیگر وکلای این فهرست، سال ۸۸ نماینده سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، در دادگاه دسته جمعی فعالان سیاسی و بازداشت شدگان اعتراض ها به انتخابات بود.

- با این حال برخی از وکلا اعلام کرده اند که قوه قضائیه این قانون را «به دادگاه های بدوی، دادگاه انقلاب و حتی دادگاه های تجدیدنظر تعمیم داده» است

**طرح جدید قانون وکالت (اردیبهشت ۱۳۹۸)؛ هرکسی لیسانس حقوق دارد، وکیل می شود!**

می توان گفت که طرح جدیدی که قانون وکالت را تغییر می دهد، رانت زیادی برای عده ای به وجود می آید، برخی از مشاغل مانند استادان دانشگاه و اعضای هیات علمی دو شغله می شوند و گروه زیادی از جوانان فارغ التحصیل حقوق

بیکار خواهند ماند. طرح جدید با عنوان طرح جامع وکالت می گوید ورود به حرفه وکالت با استفاده از معدل صورت گیرد و دیگر ظرفیت محدود در هر کانون برای پذیرفته شدگان در نظر گرفته نشود، بلکه هر کسی که آزمون داد و معدل خاصی را کسب کرد، وارد این حرفه شود.

همچنین به برخی افراد از جمله استادان دانشگاه و صاحبان مدرک تخصصی دکتری حقوق، پروانه بدون آزمون داده شود. در نقد طرح جدید برای تغییر در قوانین مربوط به وکالت دادگستری می توان بیان داشت، این قانون موجب رانت برای برخی مشاغل می شود، مشکل اشتغال و درآمد جوانان فارغ التحصیل حقوق را حل نمی کند و در نهایت سبب تضعیف حقوق دفاعی مردم و متهمان می شود. تبصره یک ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می گوید سه نفر تعداد ظرفیت هر ساله کارآموزان هر کانون را مشخص می کنند که دو نفر از این افراد، مقامات قضایی هستند.

پرسش این است که چرا آنها ظرفیت را افزایش نمی دهند؟ همچنین نمایندگان در قانون برنامه سوم توسعه ماده ۱۸۷ را گذاشتند که به مشاوران قوه قضائیه پروانه وکالت دادند. ماده ۸ قانون اخذ پروانه وکالت هم می گوید برخی مشاغل مانند قضاوت می توانند بدون پشت سر گذاشتن آزمون، پس از مدتی وکیل شوند.

با توجه به اینکه وقتی فردی متهم است و باید وکیل داشته باشد، باید حق دفاع او را تضمین کرد. یک سمت این دفاع، دادستان و قاضی است و برای توازن، باید وکیل مستقل به این فرد متهم داد تا موازنه برقرار شود. زیرا اگر ما از حق دفاع صحبت می کنیم، از حق دفاع متهم حرف می زنیم، بدین اساس اگر قرار است وکیل مستقل نباشد، متهم در موازنه دفاعی به مسلخ می رود. در حقیقت بخشی از حاکمیت هدفی دارد که به دنبال آن کارهایی را می کند. بخشی از سیستم به دنبال تضعیف حق دفاع است.

با تصویب طرح جدید وکالت، به سادگی هرچه تمامتر ما حق دفاع را به مسلخ می بریم. و با این طرح غلط چه آسیبی به مصالح مردم می زنیم؟ طرح جدید تغییر قوانین وکالت، به حقوق ملت لطمه می زند و عده ای به صورت سازماندهی شده از این طرح حمایت می کنند.

این طرح می گوید هر کسی لیسانس حقوق دارد بیاید پروانه

وکالت بگیرد و کار کند. ما می گوئیم حق دفاع مردم با این وضع به خطر می افتد چون آن فرد تخصص کافی ندارد و این باعث می شود حق دفاعی مردم که در فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است به خطر می افتد. مجلس شورای اسلامی نباید قانونی را تصویب کند که به قانون اساسی تعرض کند. وجود وکیل مستقل، تضمین حق دفاع است. تمام افرادی که در دادگستری با آن مواجه می شویم، فقط متهم ما یک نفر را دارد که به او کمک می کند، آن هم وکیل است.

این طرح چون اجازه می دهد افرادی بدون صلاحیت کافی تصدی امر وکالت را داشته باشد، به خطر می اندازد. این طرح به ساختار حق دفاع شهروندان کشور لطمه می زند. در مجلس، روندی دارد پیش می رود که برخی نمایندگان به دنبال منافع برای خود هستند و با این شعارهای پوپولیستی فضا ایجاد کنند. آنها می گویند تعداد زیادی دانشجوی حقوق داریم و کانون وکلا انحصار ایجاد کرده است. پاسخ این است: مگر شما مرکز مشاوران نداشتید؟ فراخوان بدهید امسال یک میلیون نفر مشاور دادگستری می گیریم. چرا از انحصار در قضاوت و سردفتری حرف نمی زنیم؟ چرا تنها به کانون وکلا توجه دارند؟ این طرح یک برنامه سازماندهی شده برای لطمه به حق دفاع ملت است.

نمایندگان مجلس می گویند: «ما دنبال اشتغال زایی برای فارغ التحصیلان رشته حقوق هستیم!» اگر قرار است این (۶۰۰ هزار) تن وارد حرفه وکالت شوند، امکان پذیر نخواهد بود. اشتغال زایی می توان در چهار گروه شاغل شد، قضاوت، کارشناسان حقوقی سازمان ها، سردفتری و وکالت. درباره سردفتری باید گفت ۱۰ سال است از سال (۸۷ تا ۹۷) کانون سردفتران هیچ پذیرش جدیدی نداشت و در سال گذشته هم برای ۱۰ هزار تن پذیرش گرفتند. طبق قانون ما باید برای هر (۱۵ تا ۲۰) هزار تن یک دفتر اسناد رسمی داشته باشیم ولی ما تنها (۷۳۰۰) دفتر اسناد رسمی داریم.

شغل دیگر برای ۶۰۰ هزار فارغ التحصیل حقوق، مسند قضاوت است که تا سال ۹۶ حدود ۱۱ هزار قاضی داشتیم و سال ۹۷ هم ۳۱۰۰ تن قاضی اضافه شده اند که حدود ۱۴ هزار قاضی تاکنون در کشور شاغل هستند. قوه قضائیه می گوید بیش از ۱۷ میلیون پرونده در کشور ثبت شده است و طبعاً این تعداد قاضی نمی توانند به این پرونده ها رسیدگی کنند که طبعاً اگر پذیرش قاضی افزایش یابد، تعداد زیادی از فارغ التحصیلان

می توانند وارد این شغل شوند. به موجب ماده ۸ قانون استقلال کانون وکلا می گوید قضاوت و نمایندگان مجلس بدون آزمون می توانند وارد وکالت شوند. تاکنون ۴۰۶۸ قاضی از این طریق وارد حرفه وکالت شده اند. شغل دیگر، کارشناسی حقوقی ادارات و سازمان ها است. هر اداره، حدود ۵ تن کارشناس حقوقی دارد و می بینیم ادارات و سازمان ها هم بحث وکالت خود را به وکلای دادگستری خارج از دولت می دهند.

**چرا درباره قضاوت یا سردفتری قانون را عوض نمی کنند؟ کانون وکلا هر سال نیرو جذب می کند. تخریب کانون وکلا یعنی تخریب تمام زیرساخت ها.**

ما می خواهیم استقلال کانون وکلا را بگیریم و با این طرح تازه، وکالت را به پیش از دوره ۱۳۳۱ و به دوره رضاشاه برگردانند.

واقعیت این است که ۹۰ درصد وکلای ما پول زندگی عادی ندارند. ۲ تا ۳ درصد وکلا درآمد کلان دارند که اگر فساد دارند قطعاً باید با آنها برخورد شود. ایراد دیگری که وکلا به طرح جدید مجلس دارند، از رانتی بودن آن سخن گفت و توضیح داد: به نظر می رسد این طرح جدید می خواهد رانتی به برخی از افراد بدهد. اصلاً بگیریم این طرح می خواهد اشتغال زایی کند، حقوقدان بیکار می شود وکیل بیکار. برخی می گویند بازار وکالت داریم، مگر ما بازار تربیت داریم؟ بازار پزشکی یا بازار روحانیت داریم؟ همه این اصناف با مردم ارتباط متقابل دارند. به نظر می رسد نمایندگان طراح، دغدغه اشتغال ندارند بلکه می خواهند برای برخی رانت ایجاد کنند. من اگر جای قوه قضائیه بودم، دغدغه بیشتری داشتم وکیل خوب وارد دادگاه بشود.

درباره اینکه چرا وکلا باروند قانونی در تغییر یک قانون مخالفند، می توان بیان کرد: پارلمان نماینده ملت است، اما وقتی نظارت استصوابی (شورای نگهبان) را داریم، خیلی وقت ها نمایندگان واقعی هم داخل نمی روند. هنگامی صحبت از این می شود که نمایندگان مردم اصل بر حکیم بودن آنها است، باید این فرض را به چالش کشید. اصل بر حکمت قانونگذار است و ما (وکلا و حقوق دانان) هم به نمایندگان مجلس مشاوره می دهیم و کمک می کنیم.

و این در حالی است که در نظام های حقوقی تقنینی (وضع کردن قانون، قانون گذاردن....)، اقدامات در مسیر تصویب

مقرراتی است که حقوق شهروندی و حداقل های حقوق بشری را رعایت و اجرای آنها را تضمین کند و قدر متیقن در این باره دادرسی عادلانه و منصفانه از محورهای اساسی و برجسته در نظام تقنینی مردم سالاری است. در واقع اصل و محور دادرسی عادلانه و به موجب انصاف، بر اساس استانداردهای حقوق بشری که ایران به اکثر آنها (مقاوله نامه ها، کنوانسیون ها و...) ملحق شده و همچنین مقررات داخلی مانند قانون اساسی است که استفاده از خدمات وکیل را از حقوق بنیادین و اولیه اصحاب دعواست.

### وضعیت وکلای در کشورهای با نظام دموکراتیک

وکلا در آلمان یکی از زیر شاخه های رشته حقوق در بازار کار وکالت می باشد. برای ورود به بازار کار وکالت تمام کشورها ضوابط خاص و آزمون های خاصی را در نظر می گیرند. از جمله این ضوابط رسیدن به حد نصاب نمره در آزمون وکالت می باشد.

در کشور آلمان قانون وکالت یا ( BRADO ) توسط مجلس وضع می گردد و این سازمان به صورت مستقل و آزاد تعریف می شود و وکلای نیز شغلشان آزاد تعریف می شود. کانون وکلای آلمان نیز مانند دیگر کشورهای دنیا به گونه ای استقلال دارد که حتی دولت هم امکان اعمال نفوذ و تغییر در آن را ندارد.

Advokatsamfundet - کانون وکلای سوئد

رئیس کانون وکلای سوئد آنه رامبری در گفتگو با اکوت بخش خبری رادیو سوئد می گوید: «ما فکر می کنیم که سرعت بخشیدن به رسیدگی به پرونده پناهجویان سبب پایین آمدن کیفیت بررسی آنها خواهد شد. احتمال بدتر شدن این وضعیت و بازگشت به سطحی که پیش از این معمول بود نیز، وجود دارد.»

از سوی دیگر آنه رامبری معتقد است که هم اکنون صف انتظار برای رسیدگی به پرونده پناهجویان بسیار طولانی است به همین جهت پروژه جدید اداره امور مهاجرت برای کوتاه کردن مدت این انتظار اساسا ایده خوبی است اما این پروژه شامل بخش هایی است که منجر به کاهش امنیت قضایی پناهجو خواهد شد. یکی از این موارد، زمان کمتری است که به پناهجو برای تکمیل پرونده و پاسخ به نامه ارسالی از سوی اداره مهاجرت داده می شود.

### تاریخچه روز جهانی وکلای در خطر

۲۴ ژانویه سال ۱۹۷۷، در حمله مسلحانه نئوفاشیست های اسپانیا به یک دفتر وکالت، چهار وکیل اسپانیایی به قتل رسیده و هشت نفر دیگر به شدت زخمی شدند. این واقعه نه آغاز و نه پایان آزار وکلا بود. سال ۱۹۳۸، هانس لیتن وکیل یهودی آلمانی که به دستور هیتلر زندانی شده بود، پس از تحمل شکنجه های فراوان در اردوگاه مرگ داخائو دست به خودکشی زد. این وکیل ضد حکومت نازی ها، در سال ۱۹۳۱ در جریان رسیدگی به یک پرونده، آدولف هیتلر را به عنوان شاهد به دادگاه فرا خوانده بود.

برای بزرگداشت یاد و نام وکلای کشته شده، از سال ۲۰۱۰، روز ۲۴ ژانویه به نام «روز وکلای در خطر» نام گذاری شده است. شهر نورنبرگ و سازمان عفو بین الملل در این شهر، هر سال به طور مشترک برنامه ای را برای بزرگداشت وکلای زندانی با نام «وکیل بدون حق» ترتیب می دهند. و حتی بخش اعظم یکی از این مراسم به معرفی عبدالفتاح سلطانی، وکیل ایرانی اختصاص داشت.

### پایان سخن

بنابر آنچه پیش گفته؛ در شرایط کنونی قوه قضاییه باید که عملن از دخالت در مدیریت و دیگر اقدام های کانون وکلا دست برداشته تا بدون هیچ «تبعیضی» تمام وکلا که دارای پروانه وکالت اند شانس حضور دفاعی در مراجع قضایی را داشته باشند، در غیر این صورت تبعیضی غیرقابل پذیرش است که نه با نفس عدالت قضایی و نه عدالت شرعی انطباق نخواهد داشت.

به دیگر سخن سیاست نهادینه شده در قوه قضاییه از ابتدا تا کنون بر اساسی پایه ریزی شده است که به ویژه در پرونده های سیاسی، حداقل امکانات را در اختیار متهمان قرار دهد. مورد اخیر اما هم شوک آور و هم نگران کننده است. در تاریخ قضایی ایران و حتی دیگر کشورها که دیکتاتوری حاکم است، چنین رویکردی وجود نداشته است. اما این شیوه رایج سرکوبگران برای تثبیت این موضوع در افکار عمومی است.

فراتر از این دخالت قوه قضاییه نظام فقهاتی در تعیین وکیل و یا تغییر در مفاد قانون وکالت «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی طرفی و استقلال وکالت بوده و اساسا «نفی اعتبار» کانون وکلا و «اهانت به خیل عظیم وکلا» است.

## حقوق ما

### ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سردبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: mail@iranhr.net